نگاه

هزینه بازگشت به جرم مجرمان برای پلیس و جامعه

سرتیپ دوم پاسدار علی‌رضا لطفی

● به تازگی کارآگاهان معاونت مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی پایتخت موفق به دستگیری اعضای باند جیب‌بری شدند که در یکی از خطوط اتوبوس‌های تندروی تهران اقدام به جیب‌بری از زنان مسافر می‌کردند؛ باندی متشکل از مادر، دختر و نوه! نکته قابل توجه و تأمل‌برانگیز درخصوص این متهمان علاوه بر نسبت خانوادگی آنان، سوابق دستگیری متعدد آنها و اعضای خانواده‌شان است. در واقع سه زن دستگیرشده بخش کوچکی از باند بزرگ‌تری هستند که همگی سال‌ها پیش توسط کارآگاهان پلیس دستگیر و روانه زندان شده بودند و حتی بعضی از اعضای باند در سال‌های اخیر به دلیل کهولت سن فوت شده‌اند و باقی‌مانده اعضا همچنان پس از پایان دوران محکومیت و آزادی از زندان دوباره اعمال مجرمانه گذشته خود را انجام می‌دهند و تغییری در سبک زندگی خود ایجاد نکرده‌اند. هر سه زن همچنان اعتیاد دارند، در جامعه به عنوان جیب‌بر شناخته می‌شوند و برای تأمین هزینه‌های زندگی و مواد مخدر خود و همسرانشان دست به سرقت می‌زنند. سواد اندکی دارند یا بی‌سواد هستند. آموزش حرفه‌ای خاصی ندیده‌اند، به علت سوءسابقه شرایط استخدام ندارند. فرزندان خردسالی دارند که آینده روشنی با وجود فقر فرهنگی و اقتصادی که دچارش هستند، نمی‌توان برای آنان متصور شد.با توجه به توانمندی و هوشمندی کارآگاهان پلیس آگاهی، دستگیری این مجرمان و حتی مجرمانی که دست به ارتکاب جرائم خشن می‌زنند، برای این پلیس تخصصی، دشوار نیست و عملکرد چند سال اخیر این پلیس نیز در حل معماهای پیش‌رو و کشف پرونده‌های شاخص متعدد، تأییدی بر این ادعاست اما نکته مهم و کلیدی قرارگرفتن پلیس و جامعه در چرخه باطل تکرار جرم مجرمان و صرف هزینه‌های بیت‌المال با به‌کارگیری نیروی انسانی، خودرویی و... برای دستگیری مجدد مجرمانی است که در گذشته دستگیر شده‌اند.شاید بسیار آرمان‌گرایانه باشد اگر انتظار داشته باشیم فرد پس از دستگیری هرگز به چرخه ارتکاب جرم و مسیر اشتباه زندگی گذشته خود بازنگردد اما می‌توانیم با این دیدگاه به مجرمان نگاه و تلاش کنیم از طریق آموزش و ارائه خدمات حمایتی هرچند اندک مانع بازگشت فرد به چرخه تکرار جرم شویم.پلیس به عنوان قوه قهریه در فضای مقابله با جرائم و آسیب‌ها در آخرین حلقه قرار دارد و زمانی که سایر نهادها، موفق به مقابله با جرم یا پیشگیری از آن نشدند، نوبت به پلیس می‌رسد تا وارد عمل شده و به مقابله با برهم‌زنندگان نظم و امنیت در جامعه و مرتکبان جرم بپردازد.با این وجود پلیس با انجام فعالیت‌های آموزش همگانی در مدارس، سرای محلات، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، فضای مجازی، مطبوعات، صداوسیما و حتی ارائه خدمات مشاوره رایگان به شهروندان تلاش کرده با وجود حجم بالای کار تخصصی خود، نقش مؤثری در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری نیز ایفا کند اما انتظار می‌رود سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه به یاری پلیس شتافته و با ارائه خدمات آموزشی و حمایتی برای کاهش فقر فرهنگی و اقتصادی حاکم بر این طبقه اجتماعی تلاش کرده و با کارآفرینی و به‌کارگیری افراد دارای سوءسابقه، از بازگشت مجدد آنها به زندگی تاریک گذشته‌شان پیشگیری کنند. این تلاش‌ها در درازمدت اثرات مثبت خود را در جامعه و همچنین بهبود عملکرد پلیس با توجه به کاهش آمار مجرمان نشان خواهد داد و گامی مؤثر خواهد بود در جهت رسیدن به مدینه فاضله دینی و امنی که نهایت خواسته و آرمان همه نهادهای امدادرسان همچون پلیس است. جامعه‌ای که در آن فردی مرتکب جرم نخواهد شد و اگر مرتکب شد دست‌های یاری‌رسان زیادی را در اطراف خود خواهد دید که با آموزش و حمایت اجازه سقوط مجدد وی در پرتگاه اشتباهات را نخواهند داد. اینجانب به عنوان رئیس پلیس آگاهی پایتخت از تمام سازمان‌های مردم‌نهاد و خیرین امنیت‌ساز که دغدغه ارتقای امنیت و کیفیت برتر برای زندگی هم‌وطنان خود را دارند، دعوت می‌کنم تا برنامه‌ها و طرح‌های خود را برای پیشگیری از بازگشت به جرم مجرمان خصوصا زنان ارائه دهند و در جهت اجرائی و عملیاتی کردن آن تلاش کنند و اطمینان داشته باشند این پلیس در چارچوب وظایف و امکانات خود در کنار آنان و یاریگرشان خواهد بود.

*رئیس پلیس آگاهی پایتخت

حادثه

شهادت مأمور انتظامی کنارک در درگیری با اشرار

● بخشدار زرآباد کنارک در جنوب سیستان‌وبلوچستان گفت: ستوان‌دوم امیر درویشی از مأموران انتظامی این بخش روز جمعه در درگیری مسلحانه با اشرار به شهادت رسید.هاشم شاهوزهی اظهار کرد: مأموران پاسگاه انتظامی زرآباد کنارک در درگیری با قاچاقچیان و اشرار مسلح آنان را در رسیدن به اهدافشان ناکام گذاشتند و یکی از مأموران در این درگیری به شهادت رسید.وی افزود: شهید درویشی اهل زابل واقع در شمال سیستان‌وبلوچستان، متأهل و دارای دو دختر چهار و شش سال بود.

درخواست کمک مردی که به پرداخت دیه محکوم شده است

شرق: مرد جوانی که به دلیل ناتوانی در پرداخت دیه شش سال است در زندان به‌سر می‌برد، از مردم درخواست کمک کرد تا شاید بتواند آزاد شود و به زندگی عادی بازگردد. این مرد ناتوانی‌اش در پرداخت دیه را در دادگاه اثبات و دادگاه دیه را تقسیط کرد، اما مرد زندانی از عهده پرداخت مبلغ اولیه هم برنمی‌آید.

به گزارش خبرنگار ما، این مرد جوان که هادی نام دارد، در سال ۹۲ به اتهام قتل همسرش بازداشت شد. هرچند او از همان ابتدا گفت در مرگ همسرش نقشی نداشته، اما بازخوانی زندگی او نشان می‌داد اختلافاتی بین آنها وجود داشت.

هادی در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: من دو سال قبل با زنی ازدواج کردم که پیش از من دوبار ازدواج کرده و جدا شده بود. او فرزند داشت. من که تا قبل از آن ازدواج نکرده بودم، زندگی‌ام با او را شروع کردم. مدتی بعد از این ماجرا متوجه شدم همسرم دچار افسردگی است و بعد هم اختلافات شدیدی میان ما ایجاد شد. در همان زمان فهمیدم همسرم باردار است. بچه که به دنیا آمد، ما متارکه کردیم و من با زن دیگری ازدواج کردم. به همسر اولم هم گفتم اگر می‌خواهد، من بچه را نگه می‌دارم و اگر نه، می‌تواند خودش از بچه مراقبت کند. در نهایت پسرم به درخواست همسرم پیش مادرش ماند. از سویی افسردگی همسرم بدتر شده بود. من با او ارتباط چندانی نداشتم و فقط گاهی برای دیدار پسرم او را می‌دیدم تا اینکه یک روز که برای دیدار رفته بودم، متوجه شدم همسرم اصلا حال خوبی ندارد. اختلافات قدیمی دوباره سر باز کرد و بعد همسرم به پشت‌بام رفت. من دنبالش رفتم تا مبادا بلایی سر خودش بیاورد، اما نتوانستم کمک کنم و او خودش را به پایین پرت کرد و جان باخت.گفته‌های متهم مورد قبول بازپرس قرار نگرفت و پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۷ کیفری استان تهران مستقر در شهریار فرستاده شد. متهم در جلسه محاکمه یک‌بار دیگر گفته‌هایش را تکرار کرد و در نهایت قضات او را از قتل عمد تبرئه کردند، اما در قتل شبه‌عمد مجرم تشخیص دادند و او را به پرداخت دیه در حق اولیای‌دم محکوم کردند. همچنین او به دو سال حبس هم محکوم شد.متهم و اولیای‌دم به رأی صادره اعتراض کردند. این رأی در دیوان‌عالی کشور بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. هادی که متولد سال ۶۰ است، در حالی برای گذراندن دوران محکومیتش به زندان رفت که همسر دومش نیز باردار بود و پسر او نیز به دنیا آمد.در این مدت هادی به دلیل اینکه در زندان بود، نتوانست کار کند و دیه را بپردازد، به همین دلیل درخواست اعسار داد و دادگاه نیز آن را قبول کرد، اما در این مدت همان مبلغی را که دادگاه تعیین کرده بود هم نتوانست تأمین کند.حالا هادی که فرزندانش ۸ و ۹ ساله هستند، همچنان در زندان مانده است. او در گفت‌وگویی با خبرنگار ما درباره وضعیت زندگی‌اش توضیح داد و گفت: من همسر اولم را به عمد نکشتم، حتی قتل غیرعمد را هم قبول ندارم، چون در خودکشی او نقشی نداشتم و او خودش را به پایین پرت کرد، اما دادگاه رأی داد و گفتند کاری که تو کردی قتل غیرعمد است. من هم که کاری نمی‌توانم بکنم. پسری که از همسر اولم داشتم در آن زمان دوساله بود. با مرگ مادرش و زندانی‌شدن من مادر من سرپرستی او را برعهده گرفت و بچه را بزرگ کرد. وقتی که من زندانی شدم، پسر دیگرم به دنیا آمد. او یک سال با برادرش فاصله سنی دارد. من در زندان بودم که همسر دومم مبتلا به سرطان شد و بچه دوم هم به مادر من سپرده شد. همسر دومم بر اثر ابتلا به سرطان جانش را از دست داد و حالا هر دو پسرم مادر ندارند و پدر هم بالای سر آنها نیست. در این سال‌ها برادر کوچکم خرجی بچه‌ها را داده و من مدیون او هستم. او هر کاری کرد نتوانست پولی برای آزادی من جمع کند. من هم هرچه داشتم با بیماری همسرم و مشکلاتی که این مدت در زندان داشتم از بین رفت. قبل از آن هم دارایی زیادی نداشتم. مستأجر بودم، اما کار می‌کردم و زندگی شرافتمندانه‌ای داشتم.این مرد ادامه داد: درخواست بررسی اعسار دادم، دادگاه قبول کرد و رأی داد حالا که نمی‌توانم یکجا پول دیه را بپردازم، ابتدا ۳۶ میلیون تومان بدهم و بعد هم ماهی ۵۰۰ هزار تومان بدهم، ولی خدا می‌داند نتوانستم این پول را تأمین کنم. سعی کردم در زندان کار کنم و پول را تأمین کنم، اما باز هم نشد. پولی که از زندان می‌فرستادم، کمک‌خرجی مادرم و بچه‌ها می‌شد، چون مبلغ آن خیلی کم بود. برادرم هم ازدواج کرده و خودش حالا همسر و فرزند دارد و نمی‌تواند همه درآمدش را صرف بچه‌ها و مادر من کند، به همین خاطر از مردم درخواست کمک دارم. من آدم بدی نبودم و نیستم، می‌خواستم زندگی آرامی داشته باشم و به همین خاطر هم وقتی که دیدم نمی‌توانم با همسر اولم خوشبخت باشم، متارکه و با زنی دیگر ازدواج کردم. وقتی زندانی شدم، ۳۰ ساله بودم و حالا ۳۶ ساله هستم. بچه‌هایم را شش سال است ندیده‌ام. مادرم به آنها گفته پدرتان برای کار رفته و برمی‌گردد. برای اینکه بچه‌ها محیط زندان را نبینند مادرم آنها را نمی‌آورد. او پیر و مریض شده و خودش هم نمی‌تواند به دیدنم بیاید. همه بار زندگی من و مادرم روی دوش برادرم است که خودش متأهل است و فرزند دارد. متهم در ادامه گفت: من به‌خاطر دو پسرم از مردم درخواست کمک دارم. آنها کم‌کم بزرگ می‌شوند و فشارهای اجتماعی را درک می‌کنند. بی‌پولی و نبود پدر زندگی‌شان را تباه می‌کند. از مردم درخواست دارم کمک کنند من بتوانم ۳۶ میلیون تومان را بپردازم و بیرون بیایم. در این صورت کار می‌کنم و قسط‌ها را می‌دهم و خرجی مادر و بچه‌هایم را تأمین می‌کنم. درخواست دارم در این روزهای سخت من را تنها نگذارید. لازم به ذکر است یکی از خیران بعد از شنیدن داستان زندگی هادی، ۱۵ میلیون تومان از مبلغ مورد نیاز را تأمین کرده است.هم‌وطنان خیری که قصد دارند به این مرد کمک کنند می‌توانند مبلغ موردنظر را به حساب شماره ۴۱۰۰۱۰۶۵۹۵۲۳ یا به شماره کارت ۶۲۸۰۲۳۱۳۴۱۶۸۸۵۴۶ نزد بانک مسکن به نام زهرا عادلی (مادر هادی) واریز کنند. لازم به ذکر است مدارک قانونی و رأی پرونده هادی در دفتر روزنامه موجود است.

تأمین بدهی مرد جوان با کمک خیران

همچنین زندانی دیگری که به دلیل بدهی ۲۴ میلیون‌تومانی، شش سال بود که در زندان به‌سر می‌برد، با کمک شهروندان و یکی از مراکز خیریه توانست بدهی خود را بپردازد.

هفته گذشته روزنامه «شرق» خبری مبنی‌بر درخواست کمک جوانی به نام علی منتشر کرد که به دلیل بدهی ۲۴ میلیون‌تومانی در زندان به‌سر می‌برد و همسر و فرزندش تنها رها شده بودند.

بعد از انتشار این خبر، یکی از مراکز خیریه تهران که جمع‌آوری مبلغ را برعهده گرفته بود، اعلام کرد مبلغ یادشده با کمک شهروندان و خیران جمع‌آوری شد. محسن بیات که شماره کارت وی برای تأمین مبلغ دیه اعلام شده بود، خبر تأمین مبلغ را به روزنامه «شرق» اعلام کرد. در صورت نبود مانع قانونی دیگری، علی آزاد و به آغوش خانواده‌اش برمی‌گردد.

همسرکشی در توهم صداهای مرموز

شرق: مردی که همسرش را به قتل رسانده است اعتراف کرد با تصور اینکه همسرش قصد قتل او با غذای مسموم را دارد، دست به جنایت زد.به گزارش خبرنگار ما، مردی بعدازظهر سه‌شنبه ۲۶ آذر با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت پسرم همسرش را کشته است. مأموران به محل قتل که طبقه چهارم ساختمانی در شمال تهران بود، رفتند و جسد زن ۳۷ساله را در حالی یافتند که لباسی سرمه‌ای‌رنگ کنارش افتاده و بر اثر خفگی به قتل رسیده بود. پدرشوهر مقتول در تحقیقات اولیه به مأموران گفت: پسر و عروسم ۱۲ سال بود ازدواج کرده بودند و دو فرزند داشتند. اما از هفت ماه پیش دچار اختلاف‌هایی شده بودند و دعوا و درگیری داشتند. پسرم می‌گفت زنش در غذایش قرص می‌ریخته تا او را بکشد. امروز ظهر پسرم به خانه ما آمد، گریه کرد و گفت زنش را کشته است. بعد هم بچه‌ها را به من داد و برای خرید سیگار بیرون رفت. به خانه آنها در طبقه پایین رفتم و با جسد عروسم روبه‌رو شدم.

مأموران در پی این اظهارات در محل مستقر شدند و به محض اینکه مرد جوان وارد خانه شد، او را بازداشت کردند.

این در حالی بود که موضوع به ساسان غلامی بازپرس کشیک قتل تهران گزارش شده و او با حضور در محل تحقیقات را زیر نظر گرفته بود. متهم ۴۱ساله در بازجویی اولیه گفت: مدتی بود فهمیده بودم همسرم قصد جانم را دارد و در غذایم دارو و سم می‌ریزد. همین باعث بروز اختلاف‌هایی میان ما شد و با شک و ترس غذا می‌خوردم. حتی این سوءظن‌ها باعث شده بود بی‌خوابی‌های شبانه به سرم بزند. شب قتل هم دوباره با هم درگیر شدیم و ساعت پنج صبح او را خفه کردم. با بیدارشدن بچه‌ها آنها را به پدرم سپردم و به او گفتم زنم را کشته‌ام و بعد رفتم سیگار بخرم. وقتی دوباره به خانه آمدم پلیس مرا بازداشت کرد.این مرد روز گذشته برای ادامه تحقیقات در دادسرای جنایی تهران حضور یافت و توضیحات بیشتری درباره قتل و انگیزه‌اش از قتل داد. او گفت: مدتی بود صداهایی می‌شنیدم و آن صداها به من می‌گفت همسرم در غذای من دارو و سم می‌ریزد. حتی همسرم چند بار که به او گفتم چرا این کار را می‌کند قهر کرد و به خانه پدرش رفت و بعد از مدتی با میانجیگری بازگشت. او چند روز قبل دوباره به خانه بازگشته بود که او را کشتم. آن روز صبح بیدارش کردم و گفتم صداها به من می‌گویند تو در غذایم دارو ریختی، چرا این کار را می‌کنی؟ او به من گفت دیوانه شده‌ای. من عصبانی شدم و او را کشتم. بعد از قتل دیگر صداها را نمی‌شنوم.

بنا بر این گزارش متهم از سوی بازپرس پرونده برای بررسی سلامت روان به پزشکی قانونی معرفی شد.

محاکمه مردی که زن پرستار را ربود

شرق: مردی که متهم است خانم پرستار جوان را ربوده است، در دادگاه مدعی شد بیمار روانی است و درخواست برائت کرد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم که برای پاسخ‌گویی در برابر اتهام آدم‌ربایی در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شده بود، گفت به دلیل بیماری روانی متوجه رفتار خودش نیست.فروردین سال جاری پلیس در جریان درگیری زن و مردی داخل یک خودرو قرار گرفت و بلافاصله مأموران گشت که در همان حوالی بودند، خود را به محل رساندند و مرد جوان که به ادعای زن او را ربوده بود، بازداشت شد.زن جوان گفت: من پرستار هستم و ساعاتی قبل به اتفاق همکارم از بیمارستان خارج شدیم. قرار شد همکارم من را هم به خانه برساند. در راه جایی توقف کرد تا غذا بخرد. من هم در ماشین بودم که یکباره مرد جوانی درِ ماشین را باز کرد و سوار شد. او اسلحه‌ای روی سرم گذاشت و گفت اگر حرکتی کنم، من را می‌کشد. وقتی ماشین را به حرکت در آورد، من از فرصت استفاده و سعی کردم خودرو را متوقف کنم. کشمکش ما ادامه داشت تا اینکه چند خیابان آن‌طرف‌تر ترمزدستی را کشیدم و ماشین بعد از برخورد به جایی متوقف شد. متهم قصد داشت فرار کند که مأموران بازداشتش کردند.این زن گفت: من اصلا متهم را نمی‌شناسم و نمی‌دانم چرا این کار را کرد.بعد از گفته‌های زن جوان، متهم مورد پرسش قرار گرفت. او مدعی شد حالت عادی نداشت و نمی‌دانست دقیقا چه می‌کند.بعد از گفته‌های متهم و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.متهم روز گذشته در جلسه دادگاه حاضر شد. در ابتدای جلسه شکایت زن پرستار و همکارش درباره آدم‌ربایی و سرقت خودرو علیه متهم خوانده شد و در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام آدم‌ربایی را رد کرد و گفت: من دچار بیماری روانی هستم و تحت نظر پزشک قرار دارم. به همین دلیل هم گاهی کارهایی می‌کنم که جرم است اما قصد انجام جرم ندارم.متهم در پاسخ به اینکه ۱۳ فقره سابقه کیفری نشان می‌دهد او مجرم حرفه‌ای است، گفت: من بارها در بیمارستان روانی بستری شده‌ام. هر بار هم که بازداشت شده‌ام، همین موضوع بیماربودنم را بیان کرده‌ام اما مسئله این است که از من قبول نکردند. همین بار آخر که بازداشت شدم و در زندان هستم، مرا در امین‌آباد بستری کردند.او درباره روز حادثه گفت: روز حادثه من اصلا متوجه زن پرستار در ماشین نشدم. فکر کردم ماشین خالی است و خواستم آن را سرقت کنم که بعد از سوارشدن زن جوان را در آن دیدم. وقتی هم بازداشت شدم، سه روز در بازداشتگاه کلانتری خواب بودم چون مقدار زیادی داروی آرام‌بخش مصرف کرده بودم و اصلا حال درستی نداشتم.سپس همسر متهم مدارکی را به دادگاه ارائه داد که نشان می‌داد متهم دچار بیماری روانی است.بعد از پایان گفته‌های متهم، قضات با دریافت مدارک پزشکی متهم و برای تصمیم‌گیری درباره او وارد شور شدند.

پنج قاره

مرگ ۷ مهاجر افغان در دریاچه وان ترکیه

● استاندار وان ترکیه اعلام کرد هفت شهروند افغان بر اثر واژگون‌شدن قایق حامل مهاجران غیرقانونی در دریاچه وان جان باختند.طبق گفته استاندار وان، ۶۴ نفر دیگر که داخل این قایق بودند، نجات پیدا کردند. افراد نجات‌یافته از اتباع پاکستان، افغانستان و بنگلادش هستند که به بیمارستان شهرهای عادلجواز، احلات و تاتوان منتقل شدند.از سوی دیگر، رویترز به نقل از مقام‌های استان بتلیس که در بخش دیگری از دریاچه وان قرار دارد، اعلام کرد این قایق راهی شهر عادلجواز در ساحل شمالی این دریاچه بود.پنج نفر از مهاجران در دریاچه جان باختند و دو نفر دیگر در بیمارستان فوت شدند.

اجرای حکم اعدام یک چینی در ژاپن

● ژاپن روز پنجشنبه، ۲۶ دسامبر برای نخستین بار در ۱۰ سال گذشته یک تبعه خارجی را که به اتهام قتل اعضای یک خانواده چهارنفره در زندان بود، اعدام کرد. فرد متهم به نام «وی وی» ۴۰ساله و تبعه چین بود. او که روز پنجشنبه در بازداشتگاه شهر فوکوکا اعدام شد، بیش از ۱۶ سال در زندان به‌سر می‌برد.

او در دادگاه به جرم دزدی و قتل صاحب یک مغازه لباس‌فروشی به همراه همسر و دو فرزندش در شهر فوکوکا به مجازات مرگ محکوم شده بود. متهم و دو همدست چینی‌اش پس از کشتن اعضای خانواده ژاپنی به اجساد وزنه بسته و آنها را به اقیانوس انداخته بودند.

«ماساکو موری»، وزیر دادگستری ژاپن، اعلام کرد حکم اعدام را پس از بررسی دقیق پرونده و درنظرگرفتن نظام جزایی این کشور امضا کرده است.

وی گفت: «این جنایتی بی‌رحمانه و در کمال خونسردی بود که در آن مجرم چهار عضو بی‌گناه یک خانواده خوشبخت را به قتل رسانده بود». از دو همدست «وی وی» که به چین مسترد شده بودند، یکی با دریافت مجازات مرگ اعدام شد و دیگری دوران محکومیت حبس ابد خود را می‌گذراند.

کشف محموله ۴.۴ تنی کوکائین

● مقامات اروگوئه از کشف و ضبط محموله ۴.۴ تنی کوکائین در این کشور خبر دادند.

مقامات اروگوئه اعلام کردند: این عملیات بزرگ‌ترین شکست برای قاچاقچیان مواد مخدر در تاریخ این کشور است.

این محموله کوکائین که در چهار کانتینر حامل آرد سویا جاساز شده بود، در یک عملیات مشترک بین نیروی دریایی و گمرک اروگوئه در بندر «مونته‌ویدئو» کشف و ضبط شد. به گفته مقامات اروگوئه، ارزش این محموله کوکائین حدود یک میلیارد دلار است.

رخداد

دستگیری یکی از ضاربان هانی کرده

● **شرق:** رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی پایتخت از دستگیری یکی از عاملان درگیری در خیابان وحدت اسلامی خبر داد و گفت: متهم بعد از ضرب و جرح یکی از گنده‌لات‌های معروف تهران، پس از تلاش‌های شبانه‌روزی پلیس دستگیر شد.

سرهنگ «سعید راستی» در تشریح این خبر اظهار کرد: در پی درگیری و ضرب و جرح یکی از گنده‌لات‌های معروف تهران در خیابان وحدت اسلامی، بلافاصله مراتب در دستور کار مأموران مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی پایتخت قرار گرفت.

وی افزود: در پایش اطلاعاتی و بررسی دوربین‌های مداربسته محل وقوع جرم، هویت یکی از متهمان شناسایی شد و پس از اخذ دستور قضائی، مأموران پلیس موفق شدند بامداد روز جمعه این فرد شرور را در مخفیگاهش در حوالی نارمک دستگیر کنند و برای ادامه تحقیقات به پلیس امنیت عمومی انتقال دهند.

رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ با اشاره به اینکه تلاش برای دستگیری سایر همدستان وی ادامه خواهد داشت، خاطرنشان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده به دادسرا معرفی شد.

سرهنگ «راستی» در پایان تصریح کرد: پلیس اجازه قدرت‌نمایی و اخلال در نظم عمومی به هیچ فردی نخواهد داد و با هماهنگی مراجع قضائی با مخلین و افراد خاطی برابر قانون برخورد خواهد کرد.

بنا بر این گزارش هانی کرده شامگاه سه‌شنبه هفته گذشته از سوی شش موتورسوار مورد حمله قرار گرفت و با چاقو و قمه به‌شدت زخمی شد. او اکنون در بیمارستان بستری است و تلاش برای مداوای وی ادامه دارد.

اعتراف باتری‌دزد به ۲۰۰ فقره سرقت

● **شرق:** سارق حرفه‌ای داخل خودرو بعد از دستگیری به ۲۰۰ فقره سرقت باتری خودروهای پژو ۲۰۶ اعتراف کرد.سرهنگ کارآگاه قاسم دستخال، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی پایتخت در تشریح این خبر گفت: اواخر آذرماه امسال پرونده‌ای به همراه یک نفر مظنون به سرقت داخل خودرو به نام «شهرام ۳۵ساله» برای رسیدگی تخصصی از کلانتری ۱۶۴ قائم به پایگاه یکم پلیس آگاهی ارجاع شد.وی افزود: محتویات پرونده حکایت از آن داشت که مأموران کلانتری حین گشت‌زنی در محدوده شهرک قائم به مرد جوانی که در حال پرسه‌زدن اطراف یک دستگاه خودوری ۲۰۶ بود، مظنون شدند و این فرد با دیدن مأموران اقدام به فرار کرد اما پس از دقایقی تعقیب و گریز دستگیر شد.وی با اشاره به اینکه کارآگاهان در بررسی سوابق کیفری متهم فهمیدند او دارای سوابق متعدد سرقت و توزیع و مصرف مواد مخدر است، گفت: متهم در ادامه تحقیقات لب به اعتراف گشود و به بیش از ۲۰۰ فقره سرقت داخل خودرو به‌خصوص باتری خودروهای ۲۰۶ اعتراف کرد.سرهنگ دستخال تصریح کرد: سارق در اظهارات خود گفت: شش ماه است به دلیل اعتیاد شدید به مواد مخدر برای تهیه مواد مخدر مصرفی اقدام به سرقت لوازم و محتویات داخل خودرو و باتری خودروهای ۲۰۶ می‌کنم و اموال مسروقه را به افراد عبوری در محدوده شوش به مبلغ ۷۰ هزار تومان می‌فروشم و پول حاصله را صرف خرید مواد مخدر می‌کنم.رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به شناسایی ۱۰ نفر از مال‌باختگان گفت: متهم از سوی بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه یک تهران برای انجام تحقیقات تکمیلی و کشف سایر جرائم احتمالی در اختیار کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ است.

سرقت میلیاردی پسته

● اعضای یک باند هشت‌نفره که ۹ تن پسته یک کشاورز را در «زرند» به سرقت برده بودند، در کمتر از ۴۸ ساعت در عملیات پلیسی دستگیر شدند.

سردار «عبدالرضا ناظری» فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر گفت: به دنبال اعلام سرقت بیش از ۹ تن پسته از انبار یک کشاورز در یکی از روستاهای حومه «زرند»، موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.وی افزود: مأموران پلیس آگاهی «زرند» با بررسی صحنه جرم و اطلاعات کسب‌شده از نگهبان این انبار موفق شدند دو سارق ۲۱ و ۲۶ ساله دخیل در این سرقت را شناسایی و آنان را در یکی از شهرهای هم‌جوار دستگیر کنند.سردار ناظری تصریح کرد: متهمان در بازجویی‌های انجام‌شده پس از روبه‌روشدن با شواهد موجود به انجام این سرقت با همدستی شش نفر دیگر اعتراف کردند که در ادامه مأموران پلیس آگاهی در کمتر از ۴۸ ساعت این شش نفر را در چند عملیات جداگانه در نقاط مختلف شهر و مناطق اطراف دستگیر و پسته‌های سرقتی با برآورد کارشناسان به ارزش تقریبی ۱۰ میلیارد ریال را کشف کردند و به مال‌باخته تحویل دادند.